

دوفصلنامه علمی - پژوهشی دین و ارتباطات، سال بیستم و یکم، شماره دوم (پیاپی ۴۶) - پاییز و زمستان ۱۳۹۳، صص ۷۱-۱۰۴

واکاوی و تبیین نیازهای فرهنگی، تربیتی و اجتماعی اعضای هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان «در راستای تحقق اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در حوزه فرهنگ»^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۱۲

بتول بصیری*

احمد رضا نصر**

سید ابراهیم میرشاه جعفری***

محمود مهرمحمدی****

چکیده

سال ۱۳۹۳ به نام سال «اقتصاد و فرهنگ» اعلام گردید که بدون شک وجود مشکلات عدیده‌ای را در این حوزه نشان می‌دهد. لذا در راستای تحقق هدف راهبردی فوق، این مهم را بهانه‌ای برای انجام مطالعه حاضر قرار داده‌ایم. با توجه به اینکه مراکز آموزش عالی به‌عنوان اجتماع اندیشمندان و نخبگان می‌توانند در ایفای رسالت فرهنگی خود نقش مؤثری ایفا کنند، لذا واکاوی و تبیین نیازهای فرهنگی اعضای هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان می‌تواند گامی در جهت تحقق این رسالت خطیر باشد که البته هدف اصلی پژوهش حاضر است. این پژوهش از نوع کاربردی و روش آن توصیفی-تحلیلی و پیمایشی است و در انجام آن از دو روش کیفی و کمی استفاده شده است. جامعه آماری بخش کیفی تمامی صاحب‌نظران تعلیم و تربیت در سطح کشور بود که به روش نمونه‌گیری هدفمند، انتخاب گردید. جامعه آماری بخش کمی تمامی ۱۸۱ نفر مدرسین موظف و اعضای هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان در ۶ استان کشور بود که به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شد. داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته و پرسشنامه محقق ساخته گردآوری گردید. طبق نتایج پژوهش در بخش کیفی نیازهای آموزشی اعضای هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان در زمینه مسائل اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی عبارت‌اند از چهار حیطه: ۱. فرهنگی، ۲. اجتماعی، ۳. اخلاقی و ۴. سیاسی. یافته‌های پژوهش در بخش کمی نیز نشان داد که میزان نیاز اعضای هیئت علمی به آموزش در زمینه فرهنگی بیشتر از سطح متوسط است. همچنین مهم‌ترین نیاز اعضای هیئت علمی مربوط به گویه «آگاهی از نقش اساتید در ارتباط با حفظ، انتقال، اصلاح و بازآفرینی فرهنگ» بوده است.

واژگان کلیدی

نیاز آموزشی، نیازهای فرهنگی، تربیتی و اجتماعی، اعضای هیئت علمی، واکاوی، دانشگاه فرهنگیان

b_basiry@yahoo.com

arnasr@edu.ui.ac.ir

jafari@edu.ui.ac.ir

mehrm_ma@modares.ac.ir

* دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه اصفهان و نویسنده مسئول

** استاد گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

*** استاد گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

**** استادگروه علوم تربیتی دانشگاه تربیت مدرس تهران

مقدمه

تغییرات و دگرگونی‌هایی که در گذر زمان بر فرهنگ و نظام فرهنگی حادث می‌شود نیازها و اهداف جدیدی را در افراد جامعه می‌پرواند (چلبی، ۱۳۷۵، صص ۲۴۵-۲۲). همچنین در هر جامعه دانشگاه‌ها نهادهایی هستند که مسئولیت عظیم حفظ و انتقال میراث فرهنگی و تحکیم مبانی اخلاقی و اجتماعی دانشجویان را بر عهده دارند (طاهرپور، رجایی‌پور و شهبازی ۱۳۸۸). لذا با توجه به رسالت خطیر دانشگاه‌ها فرهنگیان در این زمینه و مسئولیت پاسخگویی به انتظارات فزاینده فرهنگی دانشجویان، دانشگاه فرهنگیان نیازمند برنامه‌ریزی جدی برای تحقق وضعیت مطلوب است که نخستین گام آن را می‌توان شناسایی وضعیت موجود از طریق نیازسنجی آموزشی دانست که البته از ضرورت‌های هرگونه برنامه‌ریزی در حوزه آموزش عالی به شمار می‌رود. در دانشگاه فرهنگیان به لحاظ کاربردی بودن معلومات دانشجویان و ورود مستقیم آنان به حوزه آموزش، اهمیت و ضرورت بررسی و تبیین نیازهای آموزشی اساتید آن دو چندان می‌گردد؛ زیرا نیازهای فرهنگی از جمله بارزترین نیازهای معنوی است که اخیراً، توجه دولت‌ها و مؤسسات فرهنگی و آموزشی را به خود جلب کرده است. لذا، هدف اصلی پژوهش حاضر این است که از طریق نیازسنجی آموزشی، نیازهای فرهنگی، تربیتی و اجتماعی اعضای هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان را به‌عنوان یک قشر بسیار تأثیرگذار در تربیت نسل آینده‌ساز ایران اسلامی، واکاوی و تبیین نماید.^۲

بنابراین به‌منظور بررسی پژوهش‌های مرتبط، جستجو در دو محور پژوهش‌های داخلی و خارجی صورت گرفت که به بعضی از نتایج مرتبط اشاره می‌گردد؛ برای مثال، نتایج پژوهش مهدوی (۱۳۷۸) بیانگر وجود مسائل و مشکلات عدیده فرهنگی در بین جوانان می‌باشد. به نظر موحدی (۱۳۸۳) به کارگیری راهبردها و الگوهای توسعه غربی در بسیاری از کشورها، موفقیت‌آمیز نبوده‌اند و باید الگوهای توسعه، ناظر بر فرهنگ بومی هر جامعه باشد. واحد چوکده (۱۳۸۴) نقش دانشگاه‌ها را در تربیت فرهنگی بسیار مهم دانسته و تاکید دارد که برنامه‌های درسی باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که موجب ترویج و نهادینه شدن تربیت فرهنگی و اجتماعی مطلوب گردند (ص ۱۵). فتحی اجارگاه و همکاران (۱۳۸۵) لحاظ کردن ارزش‌های فرهنگی به‌صورت منسجم

برای آموزش در پایه‌های مختلف را امری لازم و ضروری می‌دانند (ص ۳۲). برخی از محققان نیز معتقدند که جوانان و نوجوانان در رابطه با مسائل فرهنگی دارای آسیب‌پذیری زیادی هستند، به همین دلیل توجه به نیازهای فرهنگی در فرایند آموزش را، در اولویت نیازها قرار داده‌اند و علل ضعف توجه مؤسسه‌های آموزشی به هویت فرهنگی را بی‌ارتباطی محتوای برنامه‌های درسی در ارتباط با قومیت‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها دانسته‌اند (حمیدی، ۱۳۸۴؛ احمدی و همکاران، ۱۳۸۷؛ اسماعیلی و ربیعی، ۱۳۸۷؛ عصاره و همکاران، ۱۳۹۱؛ لقمان نیا و خامسان، ۱۳۸۹). در همین راستا سبکتکین و خسروجری (۱۳۹۲) معتقدند که آموزش به تنهایی معنایی ندارد، بلکه روند آموزش شامل آموزش فرهنگ نیز می‌شود (ص ۵۵). صفایی و فخری، ۱۳۹۲، معتقدند که فرهنگ دانش‌محور باید مبنای آموزش عالی قرار گیرد (ص ۵). در حقیقت مراکز آموزش عالی می‌توانند در ایفای رسالت فرهنگی جامعه منطبق با هویت اسلامی - ایرانی، نقش مؤثرتری ایفا کنند (منافی شرف‌آباد و زمانی، ۱۳۹۲، ص ۵۸).

در تحقیقات دیگری، موارد ذیل از جمله عوامل ضعف آموزش عالی ایران در زمینه آموزش فرهنگ معرفی شده‌اند از جمله:

الف. ضعف مؤسسه‌های آموزشی در توجه به فرهنگ اصیل ایرانی و جذب در فرهنگ بیگانه (کفاش و فریدی، ۱۳۷۵، ص ۱۲ و توکلی نیک، ۱۳۸۰).

ب. رضایت‌بخش نبودن برنامه‌های درسی در ایفای نقش هویت بخشی خود در عرصه‌های فردی، اجتماعی و ملی (ربانی، ۱۳۸۲، ص ۶۵).

ج. عدم توافق در هویت‌های ملی^۱ فرهنگی که امکان توجه و تقویت آن را در برنامه‌های درسی کاهش داده است (لقمان نیا، ۱۳۸۸، ص ۱۷۱).

به‌طورکلی هدف از تشکیل نظام‌های آموزشی، پاسخ به خواست‌ها و برآوردن غرض‌نهایی جامعه است. مدارس و دانشگاه‌ها به‌عنوان مهم‌ترین نهاد در انتقال ارزش‌های فرهنگی، باید رفتارهای فرهنگی و اجتماعی را نیز رشد دهند (ذکائی، ۱۳۸۲، ص ۵۳). بدون تردید آموزش عالی تنها زمانی می‌تواند در این حوزه گام مؤثرتری را طی نماید که توجه عمیقی به برنامه‌های درسی خود معطوف نماید (شرفی و طاهرپور، ۱۳۸۷، ص ۲۶). بدین‌سان نقش برنامه‌های درسی سنتی در انتقال فرهنگ

شامل موضوعاتی چون خواندن، نوشتن، آشنایی با گزیده‌های ادبی و آموزش تاریخ می‌شود و از ارزش‌های فرهنگی معین و تجویز شده برای شکل بخشیدن به رفتار و خصیصه‌های ملی بهره‌گیری می‌کند (گوتک^۳، ترجمه پاک‌سرشت، ۱۳۸۱، ص ۷۸). ولیکن از نظر دلانتی (۱۳۸۶) شاخص ایدئال آموزش فرهنگی و دانشگاه باز و گسترده می‌باشد. تغییر از نظام‌های آموزش عالی دوره‌ای به نظام‌های اعتباری، تغییر از گروه به برنامه، یادگیری دانشجو محور در مقابل آموزش موضوع محور و در نهایت، تغییر از دانش به توانش، مرز متمایز الگوی سنتی نسبت به الگوی جدید است (دلانتی، ۱۳۸۶، ۲۵۸-۲۵۹).

در این زمینه نگاهی به پژوهش‌های مرتبط خارجی نیز می‌تواند الهام‌بخش باشد. نتایج محققان نشان می‌دهد که توجه به نیازهای فرهنگی و ارزش‌گذاری به فرهنگ‌های مختلف یک نیاز عمده فرهنگی است و دانش فرهنگی و سیاسی دانشجویان ارتباط زیادی با برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها دارد (لی کویانگ و وو^۴؛ آن ران و ویو ادوارد^۵، ۲۰۰۶، تری گرین^۶، ۲۰۰۸؛ برندان بارتام^۷، ۲۰۰۹؛ ریولی^۸، ۲۰۱۰؛ رایبهر، گیلبرت و لوکارد^۹، ۲۰۱۱).

به‌علاوه سیکارت^{۱۰} (۲۰۰۸) نشان داد پدیده جهانی شدن در ابعاد مختلف بر هویت ملی و فرهنگی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها اثرگذار است. جانگ^{۱۱} (۲۰۰۹) به نقل از کالن^{۱۲} (۲۰۰۵) می‌گوید که بین‌المللی‌سازی برنامه‌های درسی در دانشگاه‌ها، باعث ایجاد فرصت‌های خاص فرهنگی و فراگیری دانش و تجاری می‌شود که هرگز امکان تحصیل آن در وطن برای افراد وجود ندارد. نتایج فاس^{۱۳} و روس^{۱۴} (۲۰۱۲) بیانگر این نکته است که بین محتوای فرهنگی برنامه‌های درسی تجربه‌شده و اجراشده توافق و همگونی دیده نشده و این نتیجه سؤال‌های زیادی را در راستای نیازهای فرهنگی بر می‌انگیزد.

نتایج بکلر، لیونس و باکر^{۱۵} (۲۰۱۲) نیز وجود تنوع فرهنگی را یک پتانسیل ارزشمند برای ارتقاء کارآمدی و توسعه کیفیت آموزشی اعضای هیئت علمی می‌دانند و بالاخره نتایج اسوک^{۱۶} (۲۰۱۴) حاکی از آن است که «دانش فرهنگی» فرد یا سازمان را قادر به ذخیره منابع، بهبود شرایط زندگی و تحقق رسالت‌ها می‌سازد. در یک جمع‌بندی

از مجموعه پژوهش‌های مرتبط می‌توان نتیجه گرفت که «آموزش» به تنهایی معنا ندارد و روند آموزش در دانشگاه‌ها شامل «آموزش فرهنگ» نیز می‌شود. بدون تردید آموزش عالی باید به‌طور توأم و مداوم نقش انتقال و بهسازی فرهنگی را ایفا کند تا زمینه کارآمدی و توسعه همه‌جانبه کشور را فراهم سازد.

۱. مفهوم‌شناسی

نیاز: به معنای حاجت، میل و خواهش (عمید، ۱۳۷۹، جلد ۲، ص ۱۹۳۰)، احتیاج و تمنی (معین، ۱۳۸۲، ص ۱۱۴۱) و ضرورت و فقدان است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۲۰۲۶۴). در واقع وضعیتی است بین آنچه هست و آنچه باید باشد و نشان‌دهنده وجود شکاف و عدم تعادل بین وضعیت موجود و شرایط مطلوب است (بویل، ۱۹۸۱، ص ۱۸۴؛ آلن، ۱۳۶۶، ص ۴۲۲؛ شعبانی، ۱۳۸۰، ص ۳۹).

۱-۱. نیاز آموزشی: حاکی از فاصله و تفاوت توانایی‌ها، دانش‌ها و گرایش‌های فراگیران در ابتدا و انتهای آموزش می‌باشد (فردانش، ۱۳۷۲، ص ۵۵). به‌زعم ابطحی (۱۳۷۴) انواع نیازهای آموزشی عبارت‌اند از نیازهایی که مستلزم فعالیت‌های آموزشی رسمی و غیررسمی است و باید حین کار یا در ضمن خدمت توسط سازمان و یا خود فرد رفع گردد (ص ۲۵).

۲-۱. فرهنگ: واژه «فرهنگ»^{۱۷} به معنای ادب، تربیت، مجموعه آداب و رسوم، علوم، معارف و هنرهای یک قوم (معین، ۱۳۸۲، ص ۷۲۹، عمید، ۱۳۷۹، ص ۱۵۳۶)، به معنای مجموعه پیچیده‌ای که زبان، فرهنگ مادی یا فناوری، نهادهای اجتماعی و ارزش‌های مذهبی، اخلاقی و زیبایی‌شناسی را در بر می‌گیرد و مشخص‌کننده باورداشت‌ها، مسلک‌ها و اسطوره‌هاست (گلو‌تورب^{۱۸}، ترجمه طهوریان، ۱۳۷۰، ص ۲۷۱؛^{۱۹} کلوکهون^{۲۰} ۱۹۵۲؛ ویلیامز^{۲۱} ۱۹۷۶ به نقل از ویلیامز، ۱۳۷۹؛ دوورژه، ۱۲۶۷، ص ۱۶). برجسته‌ترین تعریف از «ادوارد تایلور»^{۲۲} مردم‌شناس انگلیسی (۱۸۷۱) است. وی فرهنگ را مجموعه پیچیده و کلیتی درهم‌بافته شامل دانش، هنر، اخلاق، قانون، آداب و رسوم و هرگونه قابلیت و عادت که به‌وسیله انسان به‌عنوان عضوی از جامعه کسب شده است، می‌داند (به نقل از سینگر^{۲۳}، ۱۹۹۶؛ ساروخانی، ۱۳۷۰).

۳-۱. نیازهای فرهنگی: تلازم فرهنگ با حیات انسانی تا حدی است که بدون در نظر داشتن فرهنگ، حیات انسانی معنا پیدا نمی‌کند. درحقیقت حیات فرهنگی هر جامعه در دو بعد فعالیت در تولید فرهنگی و خلاقیت فرهنگی متجلی می‌شود. فعالیت فرهنگی، فعالیتی است که حول تولید و انتقال معانی و نمادها به هدف ارتقای معنوی انسانی صورت می‌گیرد و به تولید و خلق پدیده‌های فرهنگی می‌پردازد. فعالیت‌های آموزشی، مذهبی، اجتماعی، ورزشی، تفریحی، هنری و رسانه‌ای از جمله نیازهای فرهنگی به شمار می‌روند (اسماعیلی و ربیعی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۱).

۴-۱. فرهنگ در ادبیات فارسی: انسان‌شناسان کلاسیک، فرهنگ را در یک معنای وسیع معادل «سبک زندگی» تعریف می‌کنند، ولی جامعه‌شناسان فرهنگ را مجموعه‌ای از اندیشه‌ها و ارزش‌ها می‌دانند (چلبی، ۱۳۷۵، ص ۵۴) که عناصر زیادی از جمله عقاید، عواطف، ارزش‌ها، هدف‌ها، کردارها، تمایلات و اندوخته‌های بشری را در بر می‌گیرد و به‌عنوان پدیده‌ای بی‌همتا بشر را به‌سوی کمال معنوی سوق می‌دهد و عامل انسجام سیستم‌های اجتماعی و اساس تمدن بشر است (ثقفی، ۱۳۴۸، ص ۲۵، جعفری ۱۳۷۰، ص ۲۲، نجاتی حسینی، ۱۳۷۹، ص ۳۰، سیف‌اللهی، ۱۳۷۳، ص ۱۱۵-۱۱۶).

۵-۱. ویژگی‌های فرهنگ مذهبی اسلام: به‌طور خلاصه این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: خدامحوری، عدالت‌خواهی، شایسته‌سالاری، مصلحت‌گرایی، مسؤولیت فردی و اجتماعی، ملت‌گرایی، تقواگرایی و پاسداری از کرامت انسان. در این فرهنگ اولین ارزش، یکتاپرستی است که در عینیت فرهنگ و سیاست جلوه‌هایی دارد و نخستین منبع مؤثر در شکل‌گیری فرهنگ هر جامعه را بنیان‌گذاران، مدیران و رهبران شاخص جامعه تلقی می‌کند (ماندگار، ۱۳۷۹).

۶-۱. مفروضات اصلی در آموزش فرهنگی، عبارت‌اند از: ۱. مؤسسه‌های فرهنگی و آموزشی، عهده‌دار وظایف اجرایی توسعه فرهنگ و مدیریت میانی‌اند؛ ۲. فرهنگ‌ها در تعامل با یکدیگرند و سایر نظام‌های اجتماعی، در تعامل با نظام فرهنگی‌اند؛ ۳. برای ارتقای فرهنگ معمول باید فرهنگ هدف را بر اساس فرهنگ مکتوب مشخص نمود؛ ۴. اثربخشی مدیریت نظام فرهنگی در این است که با شناخت سایر نظام‌های موجود در

جامعه، نسبت به تأمین سازگاری آن‌ها با فرهنگ مطلوب تلاش کند (ناظمی، ۱۳۸۴، ص ۲۳).

۱-۷. رصد فرهنگی: یعنی تحلیل و بررسی ارزش‌ها، نگرش‌ها، هنجارها و رفتارهای موجود در جامعه، سطح فرهنگ ملی و خرده‌فرهنگ‌ها که برای مسئله‌شناسی فرهنگی و پایش جریان‌های فرهنگی تولیدشده در حوزه‌های مختلف جامعه اعم از فرهنگ دینی، سیاسی، اقتصادی، مدنی و علمی انجام می‌گیرد و هدف آن آینده‌نگری فرهنگی و شناسایی به‌موقع جریان‌ها و مسایل فرهنگی و ارائه راهبردهای مواجهه صحیح با آن‌هاست (نگاهداری، ۱۳۸۵).

۱-۸. مهندسی فرهنگی: به معنای ترسیم نقشه و هندسه‌پردازی برای شئون مختلف جامعه با رویکرد فرهنگی و از زاویه فرهنگ می‌باشد. منظور تدبیر کردن، سامان بخشیدن، جهت دادن و اندازه کردن امور و شئون از نوع فرهنگی، با معیارهای فرهنگی و از زاویه فرهنگ است (رشاد، ۱۳۸۴، ص ۲۶).

۲. نگاهی به اهداف فرهنگی نهفته در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

در این سند هدف‌های کلان و راهکارهای قابل توجهی همچون: ۱. بازنگاری و اصلاح برنامه‌های درسی مبتنی بر رویکرد فرهنگی، تربیتی و توسعه جنبه‌های تربیتی، اخلاقی فراگیران بر اساس فرهنگ اسلامی ایرانی، ۲. بازمهندسی سیاست‌ها و باز تنظیم اصول حاکم بر برنامه درسی تربیت معلم، ۳. انطباق سطح شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان در سطح ملی و جهانی با مقتضیات الگوی برنامه درسی در نظام تعلیم و تربیت، ۴. استقرار نظام ملی تربیت معلم و راه‌اندازی دانشگاه ویژه فرهنگیان با رویکرد آموزش تخصصی و حرفه‌ای و ۵. به‌روزرسانی توانمندی‌های تربیتی، فرهنگی، تخصصی آنان برای مشارکت مؤثر در برنامه‌ریزی درسی^{۲۴} مورد توجه و تأکید قرار گرفته است (سند تحول بنیادین آ. پ، ۱۳۹۰).

۳. فرهنگ، رسالت فرهنگی و مهندسی فرهنگی از دیدگاه مقام معظم رهبری

ایشان همواره بر ضرورت مهندسی فرهنگی کشور تأکید چشمگیری داشته و دستیابی به اهداف فرهنگی انقلاب را مستلزم تبیین دقیق این مقوله دانسته و در عین حال کارهای انجام شده در این زمینه را ناکافی ارزیابی نموده‌اند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶). ایشان معتقدند که فرهنگ شکل‌دهنده ذهن، رفتار عمومی و حرکت دهنده جامعه است و اندیشه و تصمیم‌گیری جامعه بر اساس فرهنگی است که بر ذهن آن‌ها حاکم است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱). ایشان یکی از مهم‌ترین تکالیف مسئولین فرهنگی کشور را در درجه اول مهندسی فرهنگی می‌دانند؛ یعنی مشخص نمودن این مقوله که فرهنگ ملی، عمومی، درونزا و صیرت‌بخش، چگونه باید باشد؟ اشکالات و نواقص آن کدام‌اند و چگونه باید اشکالات آن رفع شود؟ به نظر ایشان رشد فرهنگی با ابتکار، آزادی، آزادی و میدان دادن به اراده‌ها حاصل می‌شود (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳). از منظر ایشان آنچه در مقوله فرهنگ بر عهده حکومت است، نظارت هوشمندانه، متفکرانه، آگاهانه، مراقبت از هرزروی نیروها، هدایت و کمک به رشد فرهنگی افراد جامعه است. همچنین ایشان به نظارت، مدیریت، دقت در برنامه‌ریزی و شناخت درست از واقعیات تأکید دارند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲). مهندسی فرهنگی در کلام ایشان یعنی اینکه با رویکرد سیستمی اجزاء فرهنگ و روابط آن‌ها به خوبی تنظیم شود و با یک بصیرت و فکر کلان، همه جریان‌های فرهنگی داخل و خارج کشور دیده شده و مشخص شود که عناصر فرهنگی با چه کیفیتی باید باشند و حقیقت فرهنگ باید به کدام سمت حرکت کند. ایشان به اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی خطاب می‌کنند که برای رسیدن به همه چیزهایی که آرزوی ماست و در چشم‌اندازها و افق‌های دوردست تصورش را می‌کنیم، باید فرهنگ کشور، صحیح و پالایش شده در مجرای درست خود قرار بگیرد (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳).

۴. نیم‌نگاهی به نظریه جامعه‌شناسی پارسونز

تالکوت پارسونز (۱۹۰۲-۱۹۷۹)^{۲۰}، جامعه‌شناس آمریکایی یکی از بزرگ‌ترین نظریه‌پردازان قرن بیستم با تفحص ژرف در آثار جامعه‌شناسان مهم اروپایی (وبر،

دورکیم، پارتو)، در ترویج مکتب «کار کردگرایی ساختی» تلاش بسیاری کرد. محور اصلی دیدگاه پارسونز حاکی از این است که «مجموعه هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، انتخاب‌های فردی را از لحاظ وسائل و اهداف معین می‌کنند. کنش افراد ارادی و هدفدار است و با توجه به محدودیت‌های محیطی و زیستی، توسط ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی تعیین می‌گردد». نظریات وی در چهار زمینه مطرح می‌شوند:

۱. زمینه فرهنگی «ایدئولوژی، معرفت و ارزش‌ها» ۲. زمینه اجتماعی «روابط متقابل»
۳. زمینه روانی «شخصیت که به وسیله روانشناسی مطالعه می‌شود»، ۴. زمینه زیستی «ارگانیسم، خواسته‌ها و نیازها». از نظر پارسونز سیستم فرهنگی، سیستم اجتماعی را کنترل می‌کند و به ترتیب سیستم اجتماعی، سیستم روانی را و سیستم روانی سیستم سیاسی را؛ یعنی سیستم فرهنگی دارای بیشترین اطلاع و سیستم زیستی دارای بیشترین نیروست. در این رابطه عناصر فرهنگی که دارای خصیصه کلی هستند از طریق نهادی شدن در قالب سیستم اجتماعی به شکل هنجار و قاعده در می‌آیند؛ برای مثال، ارزش کلی عدالت «عنصر فرهنگی» در نظام قضائی نهادی می‌شود و در قالب سیستم اجتماعی تحقق عملی می‌یابد. «ساخت» همان نهادی شدن عناصر کلی فرهنگی است و دارای خصوصیات نسبتاً پایدار می‌باشد. در این دیدگاه عناصر نظام اجتماعی که دارای ثبات و دوام هستند به چهار دسته تقسیم می‌شوند: ۱. ارزش‌ها که «جهت‌گیری مطلوب سیاست را مشخص می‌کنند» ۲. هنجارها شامل «الگوهای رفتاری» ۳. اجتماعات که «بر گرد ارزش‌ها و اندیشه‌ها شکل می‌گیرد» ۴. نقش‌ها شامل «اشکال عضویت و شرکت افراد در اجتماعات» (محمدی اصل، ۱۳۸۸).

از نظر پارسونز ساختارها و شرایط اجتماعی موجب نیازها می‌باشند. وی انواع نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را از یکدیگر متمایز می‌داند. به‌زعم او محور نیازهای اقتصادی «پول»، محور نیازهای فرهنگی و اجتماعی «نفوذ در تعاملات و اندیشه‌ها و پای‌بندی به ارزش‌ها» و محور نیازهای سیاسی «قدرت» می‌باشد (روشه، ۱۳۷۶، ص ۱۳۵). پارسونز معتقد است که بقای جامعه در بر طرف کردن چهار نیاز اصلی یعنی نیازهای: ۱. اقتصادی، ۲. سیاسی «دستیابی به هدف»، ۳. اجتماعی «یکپارچگی»، و ۴. فرهنگی «حفظ الگو» است. از نظر وی نیاز اجتماعی، نیازی است که

موجب فعالیت در جهت هدفی می‌شود که طی آن، حق، تکلیف و عاطفه توسط سیستم جذب می‌شود (رفیع‌پور، ۱۳۶۴، ص ۵۶). به این ترتیب در پژوهش حاضر به توصیف نیازهای فرهنگی و اجتماعی اعضای هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان پرداخته شده است تا بدین طریق بتوان گامی مثبت در جهت توسعه فرهنگی جامعه برداشت.

اینک با عنایت به آنچه گفته شد می‌توان دریافت که تدین و تمدن، ارکان اصلی جهت‌گیری دانشگاه‌های ایران اسلامی است. در این میان نظارت هوشمندانه، متفکرانه و آگاهانه، رسالت فرهنگی دانشگاه‌ها می‌باشد که لازمه تحقق دانشگاه تمدن‌ساز است. در حقیقت عمق و ژرفای امور فرهنگی، صبر، حوصله، پژوهش، مطالعه و بازنگری می‌طلبد و به میزانی که مبتنی بر فکر و اندیشه، طراحی و برنامه‌ریزی باشد، پایا و ماندگار خواهد بود. ولی ساده‌بینی، سطحی‌نگری، عدم توجه به رسالت فرهنگی و مهندسی فرهنگی، آفت مواجهه اصولی با مسایل فرهنگی موجود خواهد بود. حقیقت امر این است که تغییرات فرهنگی جامعه جریان مداومی است که دولت‌ها فقط در جهت‌دهی آن می‌توانند مؤثر باشند. ولیکن این جهت‌دهی با برنامه‌ریزی صحیح ممکن خواهد بود؛ بنابراین به منظور تحقق فرآیند برنامه‌ریزی مؤثر جهت تحقق وضعیت مطلوب در دانشگاه‌ها، نخستین گام را می‌توان شناسایی و تبیین وضعیت فعلی در محیط‌های دانشگاهی تعریف نمود. به این ترتیب طراحی و استقرار سازوکاری که بتواند ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و نیز کمبودهای فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها را از طریق جمع‌آوری نظام‌مند داده‌ها و اطلاعات و انتقال صحیح آن به برنامه‌ریزان فرهنگی و اجتماعی محقق نماید، ضروری است و این سازوکار از طریق نیازسنجی امکان‌پذیر خواهد بود. در واقع مهم‌ترین موضوعی که نیازسنجی دنبال می‌کند آگاهی از نیازهای فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها و فراهم‌سازی اطلاعات برای تصمیم‌سازان و برنامه‌ریزان است که می‌تواند برنامه‌ریزی درست و دقیق را به دنبال داشته باشد. با توجه به اینکه فرهنگ پایه اصلی همه اشکال توسعه است و توسعه پایدار و متوازن در همه جوانب ممکن نخواهد بود، مگر اینکه پذیرش عمومی، مشارکت و همراهی آحاد مردم در جریان تدوین برنامه‌های توسعه و به‌خصوص برنامه توسعه فرهنگی لحاظ شود. در این میان مسلماً اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها به‌عنوان مروجان فرهنگ به نسل‌های بعدی،

بهترین شرکای مدیریت نظام فرهنگی و اجرای برنامه‌های توسعه فرهنگی هستند. به گفته مهرمحمدی (۱۳۹۲) «آموزش یک فعالیت اصلی و گسترده در دانشگاه فرهنگیان است و یک بعد مهم آن آموزش‌های مبتنی بر اهداف فرهنگی در برنامه درسی دانشجو معلمان است و برنامه‌های آموزشی باید برای این هدف زمینه‌سازی کند (مهرمحمدی، مصاحبه حضوری، ۱۳۹۲)». در حقیقت آموزش فرهنگ و درونی کردن آن از وظایف اصلی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌هاست. لذا در راستای تحقق این هدف، دانشگاه فرهنگیان باید به مرکز فعال مبارزه با سنت‌ها و عادت‌های تربیتی دیرپا که گاهی نیز زیان‌بخش و مخرب هستند، تبدیل شود و با توجه به پدیدار شدن نیازها و انتظارات فرهنگی جدید، به مدیریت و آموزش فرهنگی بپردازد. بر این اساس به منظور تحقق اهداف مورد انتظار، پژوهشگر بر آن شد تا در راستای تأمین اهداف فوق به شناسایی نیازهای اعضای هیئت علمی این دانشگاه در حیطه فعالیت‌های فرهنگی، تربیتی و اجتماعی بپردازد. شایان ذکر است که آئین‌نامه ارتقاء مرتبه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها چهار فعالیت اصلی شامل فعالیت‌های: الف. فرهنگی، تربیتی، اجتماعی؛ ب. آموزشی؛ ج. پژوهشی و فناورانه؛ د. علمی و اجرایی را برای ارتقاء مرتبه اساتید ملاک قرار داده است (مصوب ۱۳۹۰). در این مقاله نیز صرفاً فعالیت‌های فرهنگی تربیتی، اجتماعی اساتید مد نظر قرار گرفته است. بر این اساس هدف کلی این پژوهش، واکاوی و تبیین نیازهای آموزشی اعضای هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان می‌باشد که در قالب چهار سؤال به شرح زیر مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. نیازهای آموزشی اعضای هیئت علمی در زمینه مسائل «فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی» کدام‌اند؟
۲. تا چه اندازه اعضای هیئت علمی در زمینه مسائل «فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی» نیاز به آموزش دارند؟
۳. مهم‌ترین نیازهای اعضای هیئت علمی در زمینه مسائل «فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی» کدام‌اند؟
۴. آیا بین نیازهای آموزشی اعضای هیئت علمی در زمینه مسائل «فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی» با توجه به متغیرهای جمعیت‌شناختی تفاوت وجود دارد؟

۵. روش پژوهش

۵-۱. نوع پژوهش

پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی پیمایشی است. در انجام بخش‌های مختلف این پژوهش به تناسب موضوع، دو رویکرد کیفی^{۲۶} و کمی^{۲۷} به کار رفته است. از روش کیفی، برای جمع‌آوری اطلاعات از متخصصان و صاحب‌نظران و از روش کمی برای جمع‌آوری نظرات از مدرسان موظف و اعضای هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان استفاده شده است. از یافته‌های بخش کیفی یعنی متن مصاحبه‌ها، علاوه بر پاسخگویی به سؤال‌های پژوهش، برای ساخت ابزار بخش کمی نیز استفاده گردیده است. برای ساخت ابزار، پس از پیاده‌سازی متن مصاحبه‌ها، با محور قرار دادن نیازهای آموزشی مورد نظر در سؤالات پژوهش، گویه‌های اساسی مربوط به زمینه مسائل فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی، استخراج و در متن پرسشنامه قرار گرفت. با این توضیح، در این پژوهش روش ترکیبی اکتشافی^{۲۸} نیز به کار رفته است (پلانوکلاک^{۲۹} و همکاران، ۲۰۰۸، ص ۳۷۲؛ کرسول^{۳۰} و پلانوکلاک، ۲۰۰۷، ص ۶۲-۷۲).

۵-۲. جامعه آماری و نمونه

جامعه آماری این پژوهش شامل دو بخش است. الف. صاحب‌نظران و متخصصان تعلیم و تربیت در سطح کشور، جامعه آماری بخش کیفی را تشکیل می‌دهند که در این بررسی با ۱۹ نفر از صاحب‌نظران مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام گرفته که البته نمونه این پژوهش بوده‌اند. ب. مدرسین موظف و اعضای هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان در قطب چهار کشور شامل استان‌های اصفهان، چهارمحال بختیاری، لرستان، یزد، خوزستان و ایلام، جامعه آماری بخش کمی را تشکیل می‌دهند. توزیع فراوانی مدرسین موظف و اعضای هیئت علمی جامعه مورد نظر به تفکیک جنسیت و مدرک تحصیلی در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱. توزیع فراوانی مدرسین و اعضای هیئت علمی جامعه پژوهشی

جمع	مرد	زن	جنسیت
			جامعه
۱۱۱	۶۶	۴۵	اعضای هیئت علمی کارشناس ارشد
۷۰	۴۳	۲۷	اعضای هیئت علمی دکتری
۱۸۱	۱۰۹	۷۲	جمع

۳-۵. روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

روش نمونه‌گیری اولیه برای انتخاب صاحب‌نظران و متخصصان تعلیم و تربیت، هدفمند بوده است (کرسول، ۲۰۰۷). در واقع افرادی انتخاب شده‌اند که در رابطه با موضوع «نمونه‌های بارز» به شمار آمده و از اطلاعات ارزشمندی برخوردار بوده‌اند (ویلیامز^{۳۱}، ۲۰۰۶، ص ۷۹). بعلاوه در جریان مصاحبه‌ها از روش نمونه‌گیری شبکه‌ای نیز استفاده شده است (نوی^{۳۲}، ۲۰۰۸، ص ۳۳۰). در این شیوه، از اولین مصاحبه‌شوندگان خواسته شده است تا افراد دیگری را که برای انجام مصاحبه پیرامون موضوع پژوهش مناسب می‌دانند، معرفی نمایند. در مورد صاحب‌نظران تعلیم و تربیت، حجم نمونه به صورت کمی محاسبه نشده است. چون برای پژوهش کیفی حصول معیارهایی مانند اشباع داده‌ها^{۳۳} و تکرار اطلاعات^{۳۴} کفایت حجم نمونه را نشان می‌دهد (آنیگ بازی^{۳۵} و لیچ^{۳۶}، ۲۰۰۷، ص ۲۴۲؛ گست^{۳۷} و همکاران، ۲۰۰۶، ص ۵۹، به نقل از شریفیان و همکاران، ص ۵۴). برای انتخاب مدرسین موظف و اعضای هیئت علمی نیز از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای یا لایه‌ای^{۳۸} استفاده شد. به این گونه که همگی مدرسان موظف و اعضای هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان در گروه‌های آموزشی مختلف در استان‌های مورد نظر انتخاب شدند. نمونه بخش کمی شامل ۱۵۰ نفر مدرس موظف و عضو هیئت علمی شامل ۴۵ نفر (۳۰/۶ درصد) با مدرک دکتری و ۱۰۲ نفر (۶۹/۴ درصد) با مدرک کارشناسی ارشد بوده است. حجم مدرسان و اعضای هیئت علمی به چند صورت محاسبه شده است. در روش اول با استفاده از فرمول حجم نمونه کوکران، تعداد مورد نیاز مدرسان و اعضای هیئت علمی برای نمونه پژوهش مشخص گردید

(طبق فرمول کوکران تعداد ۱۲۳ پرسشنامه کافی است). همچنین پس از انجام پژوهش، توان آماری آزمون محاسبه و با توجه به اینکه توان آماری برابر با ۱ بود، کفایت حجم نمونه تأیید شد.

۵-۴. ابزار گردآوری اطلاعات

در این پژوهش از دو ابزار مصاحبه نیمه ساختاریافته و پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. پژوهشگر برای کسب دیدگاه‌های صاحب‌نظران، با آنان مصاحبه انجام داده است. روایی فرم مصاحبه از سوی افرادی که روایی پرسشنامه را مطالعه نموده‌اند، بررسی و تأیید گردید. پایایی فرم مصاحبه با قرار دادن خلاصه مطالب و مقوله‌های تعیین شده در اختیار سه نفر آگاه به روش‌های پژوهش کیفی و اعمال نظرهای آنان و نیز با استفاده از روش سه سوسازی^{۳۹} بررسی شد. از آنجاکه پیرامون موضوع این پژوهش پرسشنامه استاندارد شده‌ای وجود نداشت، برای جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته به کار رفت. به‌منظور تعیین روایی محتوایی^{۴۰} دو ابزار مصاحبه و پرسشنامه، از نظرهای ۱۲ نفر از اعضای هیئت علمی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه اصفهان که در این زمینه از تخصص لازم برخوردار بوده‌اند، استفاده گردید. برای برآورد پایایی و همبستگی درونی سؤالات پرسشنامه از آلفای کراباخ استفاده شد. پس از انجام مطالعه مقدماتی بر روی ۳۶ نفر از افراد جامعه و تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها، پایایی زمینه مورد نظر ۰/۹۱۳ برآورد گردید. جهت بررسی روایی سازه پاسخ‌های به دست آمده با استفاده از تحلیل عامل و با روش چرخشی واریماکس مورد تحلیل قرار گرفت. بر این اساس تعداد گویه‌ها و مؤلفه‌ها بدون تغییر باقی ماند. معیار باقی ماندن گویه‌ها در پرسشنامه داشتن حداقل بار عاملی ۰/۴ بود. در این زمینه نتایج آزمون $KMO = 0/887$ و آزمون بارتلت برای بررسی کرویت داده‌ها $Bartlett = 459/058$ $p < 0/01$ معنی‌دار و رضایت‌بخش بوده است. مقدار ارزش‌های ویژه و درصد واریانس قابل توجیه برای عامل مسائل «فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی» ۷۵/۷۵۰ و ۷/۵۷۵ می‌باشد که نشان‌دهنده اعتبار مناسب ابزار است.

۵-۵. روش‌های گردآوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات

برای تحلیل اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها روش‌هایی ارائه شده است که می‌توان با استفاده از آنها، گزاره‌ها و دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان را تحلیل کرد (کرسول، ۲۰۰۷، صص ۱۴۴-۱۷۷؛ کمبل^{۴۱} و همکاران، ۲۰۰۴، صص ۱۲۵-۱۴۷؛ ماسون^{۴۲}، ۲۰۰۲، صص ۹۱-۹۶). معمولاً برای تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه از چند مرحله یا گام استفاده می‌شود که عبارت‌اند از: فراهم‌سازی داده‌ها^{۴۳}، سازمان‌دهی داده‌ها^{۴۴}، تقلیل و تلخیص داده‌ها^{۴۵} در قالب مقوله‌ها از طریق کدگذاری و متمرکز و ترکیب کردن^{۴۶} کدها و در نهایت، ارائه داده‌ها به صورت تصویر، جدول یا بحث (کرسول، ۲۰۰۷، صص ۱۴۸). به این طریق در پژوهش حاضر نیز مراحل تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت فوق انجام گردید. به این صورت که مصاحبه‌ها به صورت حضوری و با ضبط صوت انجام و سپس با پیاده‌سازی و ماشین‌نویسی گفته‌های افراد، مقوله‌بندی آنها با کمک نرم‌افزار مکسی^{۴۷} انجام شد. برای گردآوری داده‌ها به وسیله پرسشنامه به روش حضوری و ارسال از طریق پست عادی و الکترونیکی، تعداد ۱۵۰ عدد پرسشنامه گردآوری گردید. جهت تجزیه و تحلیل داده‌های کمی، از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد (در سطح توصیفی از میانگین و فراوانی و در سطح استنباطی از آزمون‌های فریدمن، تحلیل واریانس چند راهه، تحلیل عوامل و t تک متغیره).

۶. یافته‌های پژوهش

از آنجاکه روش این پژوهش ترکیبی است، لذا یافته‌های کیفی و کمی بر اساس سؤالات پژوهش ارائه شده است. در بخش کیفی با استفاده از روش مقوله‌بندی، اقدام به تحلیل داده‌ها شد. پس از پیاده‌سازی متن ۱۹ مصاحبه، موارد چندین بار مورد کندوکاو قرار گرفت و جملات معنی‌دار در تک‌تک مصاحبه‌ها مشخص گردید و ۱۶۸ گزاره (کد) استخراج شد. پس از انجام تحلیل محتوا بر روی گزاره‌ها، در مرحله دوم ۱۰۷ و در مرحله سوم ۷۷ گزاره حاصل شد و بر این اساس مقوله‌های اصلی تعیین گردید. در ادامه مهم‌ترین مقوله‌ها و نیازهای اظهارشده مربوط به زمینه مورد نظر در این مقاله در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول ۲. مهم ترین نیازهای فرهنگی، تربیتی و اجتماعی اظهارشده توسط مصاحبه شوندهگان

حیطه‌های فرعی به همراه مهم ترین نیازهای آموزشی	مقوله اصلی
<p>الف. حیطه فرهنگی</p> <p>۱. آگاهی از نقش اساتید در ارتباط با حفظ، انتقال، اصلاح و بازآفرینی فرهنگ</p> <p>۲. آشنایی مقدماتی با مجموعه علوم انسانی (جامعه‌شناسی، تاریخ، هنر، فلسفه و علوم اجتماعی)</p> <p>۳. آشنایی با آموزش و پرورش تطبیقی و شناخت فرهنگ‌های مختلف</p> <p>۴. نیاز به بین‌المللی‌سازی برنامه‌های درسی</p> <p>۵. آشنایی با اهداف و مبانی جهت‌دهی فرهنگی در سند تحول نظام آموزش و پرورش</p> <p>۶. شناخت نشانه‌های تهاجم فرهنگی و مقابله با آن</p> <p>۷. توانایی تطبیق محتوای کتب درسی با منابع فرهنگی و دینی</p> <p>۸. آشنایی با اهداف برنامه درسی دانشجو معلمان در زمینه مسائل فرهنگی تربیتی و اجتماعی</p> <p>ب. حیطه اجتماعی</p> <p>۱. شناخت وظایف و رسالت دانشگاه فرهنگیان به‌عنوان مغز افزار آموزش و پرورش</p> <p>۲. آشنایی با نقش آموزش و پرورش در رشد اجتماعی دانشجو معلمان</p> <p>۳. آشنایی با نیازهای فرهنگی اجتماعی و دغدغه‌های دانشجویان</p> <p>۴. آشنایی با مشکلات و آسیب‌های اجتماعی مبتلا به جامعه و پدیده‌های اجتماعی نوظهور</p> <p>ج. حیطه اخلاقی</p> <p>۱. نیاز به شناخت زندگی‌نامه اسوه‌ها و الگوها</p> <p>۲. شناخت سیره عملی پیامبر و ائمه معصومین و حضرت فاطمه زهرا (س)</p> <p>۳. آموزش اخلاق و منش معلمی به‌صورت کاربردی</p> <p>۴. نیاز به آموزش بایدها و نبایدها (راستگویی، صداقت حرفه‌ای و رعایت حریم افراد)</p> <p>د. حیطه سیاسی</p> <p>۱. بصیرت به مباحث سیاسی (داشتن تفکر سیاسی و سیاست فهمی)</p> <p>۲. توانمندی در تحلیل مسائل جاری ایران و جهان</p> <p>۳. آگاهی به نقش استاد در تربیت سیاسی دانشجو - معلمان</p>	<p>زمینه فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی</p>

۶-۱. سؤال اول تحقیق

نیازهای آموزشی اعضای هیئت علمی در زمینه مسائل «فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی» کدام‌اند؟

در این زمینه پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، چهار حیطه فرعی (به شرح جدول ۲)، طبقه‌بندی و استخراج گردید شامل:

۶-۱-۱. حیطه فرهنگی

یک. آگاهی از نقش اساتید در ارتباط با حفظ، انتقال، اصلاح و بازآفرینی فرهنگ: به اعتقاد ۱۵ نفر از مصاحبه‌شوندگان (۷۸/۹۴ درصد) یک استاد باید به نقش خود در انتقال، حفظ، اصلاح و بازآفرینی فرهنگ توجه داشته باشد (مصاحبه‌شونده ۴). ولیکن در کار فرهنگی توجه به دو نکته مهم ضروری است: ۱. وجود منابع غنی فرهنگی مبتنی بر مفاهیم دینی و فرهنگ بومی، ۲. ترسیم یک جریان‌شناسی فرهنگی و مهندسی فرهنگی. در حال حاضر تصویر واضحی از یک جریان‌شناسی فرهنگی وجود ندارد و یک عدم هماهنگی و تداخل مسئولیت در کار نهادهای فرهنگی کشور موجود است. قبل از هر فعالیت فرهنگی، مهندسی فرهنگی لازم است که اولین گام آن، تعیین وظایف هر کدام از نهادهای فرهنگی است (مصاحبه‌شونده ۱۳).

دو. آشنایی مقدماتی با مجموعه علوم انسانی (جامعه‌شناسی، تاریخ، هنر، فلسفه و علوم اجتماعی): از وظایف اصلی اعضای هیئت علمی آشنایی با علوم انسانی است که توسط ۹ نفر از مصاحبه‌شوندگان (۴۷/۳۶ درصد) مورد تأکید قرار گرفت. به نظر فرد شماره ۹، لازم است یک استاد با مبانی ارزش‌ها، آداب و رسوم، مردم‌شناسی و بوم‌نگاری و در نگاه کلی‌تر نسبت به مجموعه علوم انسانی آگاه باشد.

سه. آشنایی با آموزش و پرورش تطبیقی و شناخت فرهنگ‌های مختلف: به نظر ۷ نفر (۳۶/۸۴ درصد) از مصاحبه‌شوندگان یکی از دروسی که باید در دانشگاه فرهنگیان مورد توجه بیشتر قرار بگیرد، آموزش و پرورش تطبیقی است (مصاحبه‌شونده ۱۰)؛ بنابراین، اگر لازم باشد که دانشجو معلمان در حوزه چند فرهنگی شایستگی‌هایی را

کسب کنند، یکی از مهم‌ترین زمینه‌های آن خود مدرسان هستند که باید در این زمینه آموزش ببینند (مصاحبه‌شونده ۱۶، مهر محمدی، ۱۳۹۲).

چهار. نیاز به بین‌المللی‌سازی^{۴۸} برنامه‌های درسی: نیازی است که ۷ نفر (۳۶/۸۴ درصد) از مشارکت‌کنندگان به آن اشاره نموده‌اند. به نظر فرد شماره ۶ پدیده بین‌المللی شدن اجازه ابراز وجود را به فرهنگ‌ها می‌دهد. در این مقوله دانشگاه‌ها می‌توانند در زمینه تعلیم و تربیت، آموزه‌های دینی و ارزش‌های فرهنگی و بومی خود را ارائه کنند و نیازهای آموزشی اساتید را با استفاده از داشته‌های بومی خود و با تأسی از دستاوردهای مثبت دیگران بر طرف نمایند.

پنج. آشنایی با اهداف و مبانی جهت‌دهی فرهنگی در سند تحول: تحقق اهداف سند تحول یکی از اهداف مهم پژوهش حاضر است که ۱۲ نفر (۶۳/۱۵ درصد) از مصاحبه‌شوندگان بر آن تأکید نموده‌اند. از نظر فرد شماره ۱۱ شایسته است که مبنای آموزش اساتید اهداف و مبانی جهت‌دهی فرهنگی در سند تحول بنیادین باشد.

شش. شناخت نشانه‌های تهاجم فرهنگی و مقابله با آن: این مورد از نظر ۱۳ نفر (۶۸/۴۲ درصد) از مصاحبه‌شوندگان نیاز آموزشی فعلی اساتید اعلام گردید. مصاحبه‌شونده ۲ معتقد بود با توجه به تحولات سریع فرهنگی اجتماعی و جنگ نرم علیه جامعه اسلامی ایران، اساتید دانشگاه باید در این زمینه، به‌روز و توانمند باشند.

هفت. توانایی تطبیق محتوای کتب درسی با منابع فرهنگی و دینی: با توجه به تأکید رهبر فرزانه انقلاب مبنی بر بومی‌سازی علوم انسانی و کتب دانشگاهی، تعداد ۱۵ نفر از مصاحبه‌شوندگان (۷۸/۹۴ درصد) بر این موضوع تأکید نموده‌اند. از نظر مصاحبه‌شونده ۱۳ لازم است کتاب‌های دانشگاهی به‌طور جدی با منابع دینی و فرهنگی بومی تطبیق بنیادی داده شود. چون در حال حاضر تفکرات اساتید منبعث از کتبی است که معمولاً، ترجمان افکار غربی‌هاست و این تفکر فعلاً درون‌داد دانشگاه‌های ما را تشکیل می‌دهد و برون‌داد این دانشگاه‌ها یعنی فارغ‌التحصیلان، معمولاً اشباع‌شده از تفکرات غربی حامل و مروج آن هستند.

هشت. آشنایی با اهداف برنامه درسی دانشجو معلمان در زمینه مسائل فرهنگی: نیازی است که ۱۲ نفر (۶۳/۱۵ درصد) از مشارکت‌کنندگان به آن اشاره نموده‌اند. فرد

شماره ۱۶ اذعان نمود که ضروری است به برنامه‌های تربیتی دانشجو معلمان توجه ویژه شود و از یک استاد انتظار می‌رود با تکالیف نهفته در برنامه‌ی درسی دانشجو معلمان آشنا باشد (مهر محمدی، ۱۳۹۲).

۶-۱-۲. حیطة اجتماعی

یک. شناخت وظایف و رسالت اجتماعی دانشگاه فرهنگیان: آشنایی بیشتر با رسالت دانشگاه فرهنگیان، نیازی است که به‌زعم ۱۱ نفر (۵۷/۸۹ درصد) از مصاحبه‌شوندگان باید به آن توجه شود. به نظر مصاحبه‌شونده ۳ یک استاد دانشگاه باید اولاً به رسالت‌های دانشگاه آگاه باشد، ثانیاً معتقد به انجام و ادای این رسالت‌ها باشد و ثالثاً خود را رابط و مجری انتقال این رسالت‌ها بداند. به گفته‌ی مصاحبه‌شونده ۱۱ دانشگاه فرهنگیان «مغز افزار» آموزش و پرورش است؛ زیرا تولید اندیشه، ارزش، روش، محتوا و دانش تربیتی همه از وظایف این دانشگاه محسوب می‌گردد.

دو. آشنایی با نیازهای اجتماعی و دغدغه‌های جدید دانشجو معلمان: این نیاز آموزشی توسط ۸ نفر (۴۲/۱۰ درصد) از مصاحبه‌شوندگان مورد تأکید قرار گرفت. به‌زعم مصاحبه‌شونده ۶ عدم پیوند برنامه‌های درسی با مسائل مبتلابه جامعه، چالش امروز برنامه‌های درسی است. از نظر فرد شماره ۷ اساتید باید متوجه باشند که چه مسائل و دغدغه‌هایی برای جوانان جامعه امروز مطرح است و در جهت کاهش این دغدغه‌ها راهنمای دانشجویان باشند.

سه. شناخت نقش استاد در تربیت اجتماعی دانشجو معلمان: نیازی است که توسط ۱۱ نفر (۵۷/۸۹ درصد) از مصاحبه‌شوندگان مورد توجه قرار گرفت. در این راستا مشارکت‌کنندگان ۸، ۹ و ۱۱ معتقدند که یک استاد دانشگاه، بایستی به مبانی اجتماعی و نقش خود برای رشد اجتماعی دانشجویان آگاه باشد. به نظر مصاحبه‌شونده ۱۷ لازم است روابط و آداب اجتماعی نیز به دانشجویان آموزش داده شود. پس برای آموزش آن خود استاد هم باید شایستگی‌های لازم را دارا بوده و مهم‌تر اینکه خود عامل به آن باشد.

چهار. آشنایی با مشکلات و آسیب‌های اجتماعی مبتلابه جامعه و پدیده‌های اجتماعی نوظهور: شناخت مشکلات اجتماعی از طریق منابع موثق، نیازی است که ۹ نفر (۴۷/۳۶ درصد) از مصاحبه‌شوندگان بر آن تأکید نموده‌اند. یک استاد دانشگاه باید نگاهی محققانه به مشکلات موجود جامعه خود داشته باشد و در آموزش‌های خود نیز به آن‌ها توجه کند. چرا که بسیاری از آسیب‌ها در اثر عدم آگاهی افراد جامعه به وجود مشکلات اجتماعی است (مصاحبه‌شونده ۱۲).

۶-۱-۳. حیطه اخلاقی

یک. نیاز به شناخت زندگی‌نامه اسوه‌ها و الگوها: به‌زعم ۱۰ نفر (۵۲/۶۳ درصد) از آنان آشنایی با زندگی‌نامه اسوه‌ها می‌تواند در آموزش و انتقال فرهنگ بسیار مؤثر باشد. در این رابطه می‌توان از روش الگویی که یک روش تربیتی قرآنی است بهره‌گرفت (مصاحبه‌شونده ۱۴). به نظر مصاحبه‌شونده ۳ باید از طریق آموزش و مطالعه زندگی‌نامه اسوه‌ها و با ترکیب چند مؤلفه (ارزش‌ها، آداب و اسوه‌ها)، ترکیب مناسبی به وجود آورد و این ترکیب را در قالب محتوای برنامه درسی، به اساتید دانشگاه انتقال داد. دو. شناخت سیره عملی پیامبر و ائمه معصومین و حضرت فاطمه زهرا (س): به اعتقاد ۱۰ نفر (۵۲/۶۳ درصد) از مصاحبه‌شوندگان آگاهی از سیره عملی ائمه معصومین نیازی است که توجه به آن توصیه گردید. به نظر مشارکت‌کننده ۴ شغل معلمی یعنی «انتقال عشق» نه انتقال «دانش»؛ بنابراین، برای یک معلم علاقه‌مندی به تربیت و داشتن اخلاق و منش معلمی امر مهمی است که در سیره ائمه هم بر آن تأکید شده است. سه. آموزش اخلاق و منش معلمی به‌صورت کاربردی: به‌زعم ۶۸/۴۲ درصد از مصاحبه‌شوندگان (۱۳ نفر) این نیاز، از دیگر نیازهای اساسی اساتید است. به‌زعم آنان نکته مهم در این حوزه که گم‌شده جامعه کنونی ماست نه گم‌شده اساتید، مسئله اخلاق است؛ برای مثال، اگر مدرسی در زمینه بهداشت تدریس می‌کند، بهتر است اخلاق کاربردی مبتنی بر محیط زیست را هم به همراه درس خود آموزش دهد (مصاحبه‌شوندگان ۷، ۹).

چهار. آموزش بایدها و نبایدها و مبانی اخلاقی در تعلیم و تربیت اسلامی: نیازی است که توجه به آن مورد تأکید ۸ نفر (۴۲/۱۰ درصد) از مشارکت‌کنندگان قرار گرفت. به نظر مصاحبه‌شونده ۱۵، اخلاق یعنی بایدها و نبایدهایی که یک استاد در حریم آموزشی خود باید آن‌ها را رعایت کند و به‌نحو احسن نقش الگویی خود را برای دانشجویان ایفا نماید. در ضمن راستگویی، صداقت حرفه‌ای، رعایت حریم افراد، آشنایی با عوامل نشاط، شادابی و سلامت روان دانشجویان از جمله موارد مهمی هستند که توجه به آن تأکید می‌شود.

۶-۱-۴. حیطة سیاسی

یک. بصیرت به مباحث سیاسی (داشتن تفکر سیاسی و سیاست فهمی): این نیاز، از دیگر نیازهای آموزشی اساتید است که توسط ۱۱ نفر (۵۷/۸۹ درصد) از مصاحبه‌شوندگان مورد تأکید قرار گرفت. به‌زعم مصاحبه‌شونده ۱، بصیرت سیاسی از طریق آموزش منابع دست اول اسلامی از جمله نهج‌البلاغه میسر خواهد شد. چرا که حضرت علی(ع) مسائل سیاسی گوناگونی را به‌طور بسیار ظریف و زیبا در این کتاب بیان نموده‌اند.

دو. توانایی تحلیل مسائل جاری ایران و جهان به‌منظور پاسخگویی به سؤالات دانشجویان: نیازی است که ۱۰ نفر (۵۲/۶۳ درصد) از مصاحبه‌شوندگان آن را توصیه نموده‌اند. با توجه به اینکه اساتید، تربیت‌کنندگان علمی، فرهنگی معلمان هستند، بنابراین آگاهی از نقش آموزش و پرورش در تربیت سیاسی فراگیران و آشنایی با زندگی‌نامه الگوها و نخبه‌های سیاسی، فرهنگی توصیه می‌شود (مصاحبه‌شونده ۲). انتظار می‌رود که اساتید دارای تفکر سیاسی باشند؛ زیرا داشتن دیدگاه سیاسی، نشانه‌ی علاقه‌مندی فرد به سرنوشت کشور است (مصاحبه‌شونده ۴).

سه. شناخت نقش استاد در تربیت سیاسی دانشجویان: با توجه به اینکه یک اساتید در زمینه تربیت سیاسی دانشجویان نیز نقش الگویی دارد، بنابراین تعداد ۱۰ نفر (۵۲/۶۳ درصد) از مصاحبه‌شوندگان آگاهی اساتید به نقش خود در این زمینه را به‌عنوان یک نیاز آموزشی ضروری دانسته‌اند. از نظر مصاحبه‌شونده ۹ یک استاد

دانشگاه، بایستی به نقش آموزش در تربیت سیاسی افراد جامعه آگاه باشد و بتواند در این زمینه توانمند عمل کند.

۲-۶. سؤال دوم

تا چه اندازه اعضای هیئت علمی در زمینه مسائل «اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی» نیاز به آموزش دارند؟

جدول ۳. مقایسه میانگین میزان نیاز اعضای هیئت علمی به آموزش با میانگین فرضی ۳

مؤلفه	میانگین	انحراف معیار	انحراف از میانگین	t	درجه آزادی	سطح معناداری
نیاز به آموزش	۳/۶۱	۰/۸۰	۰/۰۶۷	۹/۱۷۸	۱۴۱	۰/۰۰۱

بر اساس یافته‌های جدول (۳) میانگین میزان نیاز اعضای هیئت علمی به آموزش در این زمینه ۳/۶۱ می‌باشد. از آنجایی که t محاسبه شده از t جدول بزرگ‌تر است؛ بنابراین میزان نیاز اعضای هیئت علمی به آموزش زمینه مسائل «فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی» بیشتر از سطح متوسط می‌باشد.

۳-۶. سؤال سوم

مهم‌ترین نیازهای آموزشی اعضای هیئت علمی در زمینه مسائل «فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی» کدام‌اند؟

جدول ۴. مهم‌ترین نیازهای آموزشی اعضای هیئت علمی

رتبه‌ای میانگین	سؤالات	ردیف
۶/۰۸	آگاهی از نقش اساتید در ارتباط با حفظ، انتقال، اصلاح و بازآفرینی فرهنگ	۱
۵/۸۰	شناخت مبانی و روش‌های جنگ نرم	۲
۵/۷۹	توانایی شناخت نشانه‌های تهاجم فرهنگی و روش‌های مقابله با آن	۳
۵/۷۹	توانایی تطبیق محتوای کتب درسی با منابع فرهنگی و دینی	۴
۵/۵۹	آشنایی با مبانی اجتماعی فرهنگی در تعلیم و تربیت اسلامی	۵
۵/۴۳	آشنایی با اصول اخلاقی و منش معلمی در تعلیم و تربیت اسلامی	۶
۵/۲۳	آشنایی با اهداف و مبانی جهت‌دهی فرهنگی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	۷
۵/۱۴	آشنایی مقدماتی با مجموعه علوم انسانی مانند جامعه‌شناسی، تاریخ، هنر و فلسفه	۸
۵/۱۴	آشنایی با اهداف برنامه درسی دانشجو معلمان در زمینه مسائل فرهنگی	۹
۵/۰۲	آشنایی با آموزش و پرورش تطبیقی و شناخت فرهنگ‌های مختلف	۱۰

یافته‌های جدول ۶ نشان می‌دهد گویه‌های ۱، ۲، ۳، ۴ به ترتیب بالاترین میانگین رتبه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند و در واقع مهم‌ترین نیازهای آموزشی اعضای هیئت علمی را نشان می‌دهند.

۶-۴. سؤال چهارم

آیا بین نیاز آموزشی اعضای هیئت علمی در زمینه مسائل «فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی» با توجه به متغیرهای جمعیت‌شناختی تفاوت وجود دارد؟

جدول ۵. تحلیل واریانس چند راهه نمرات نیازهای آموزشی با توجه به متغیرهای جمعیت‌شناختی

منبع	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معنی‌داری
جنس	۰/۰۵۶	۱	۰/۰۵۶	۰/۰۸۴	۰/۷۷۳
میزان تحصیلات	۰/۴۷۶	۱	۰/۴۷۶	۰/۷۱۷	۰/۳۹۹
سابقه کار	۱/۹۴۹	۳	۰/۶۵۰	۰/۹۸۰	۰/۴۰۶
استان محل خدمت	۴/۰۰۲	۳	۱/۳۳۴	۲/۰۱۲	۱/۱۱۷

نتایج مندرج در جدول ۵ نشان می‌دهد که بین نمرات نیاز آموزشی اعضای هیئت علمی در این زمینه بر حسب متغیرهای جمعیت‌شناختی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

جمع‌بندی

در فرهنگ مذهبی اسلام اولین ارزش، یکتاپرستی و خدامحوری است و دانشگاه‌ها مهم‌ترین نهادهای انتقال ارزش‌ها از جمله ارزش‌های فرهنگی در جامعه هستند. در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران بر توسعه‌یافتگی کشور با گذر از موقعیت در حال توسعه کنونی، متناسب با مقتضیات فرهنگی و متکی بر ارزش‌های اسلامی و ملی تأکید شده است (سند چشم‌انداز، ۱۳۸۲). مقام معظم رهبری نیز در پیام حکیمانه ویژه حل‌ول سال ۱۳۹۳ بر مسئله «فرهنگ» تأکید نمودند که طرح این مسئله وجود مشکلات عدیده‌ای را در این حوزه نشان می‌دهد. به‌طورکلی صاحب‌نظران معتقدند نخستین منبع مؤثر در شکل‌گیری فرهنگ هر جامعه را بنیان‌گذاران، مدیران، رهبران، اندیشمندان و نخبگان شاخص جامعه تشکیل می‌دهند و در این میان مؤسسه‌های فرهنگی و آموزشی، عهده‌دار وظایف اجرایی توسعه فرهنگی هستند. بدون تردید دانشگاه‌ها به‌عنوان اجتماع اندیشمندان و نخبگان می‌توانند در ایفای رسالت فرهنگی جامعه، منطبق با هویت اسلامی ایرانی، نقش مؤثرتری ایفا کنند.

بر این اساس ضرورت ایجاد می‌کند که آموزش عالی به‌طور توأم و مداوم نقش انتقال و بهسازی فرهنگی را ایفا کند تا زمینه کارآمدی و توسعه همه‌جانبه کشور فراهم

شود. چرا که برنامه‌های درسی عنصر اساسی در رشد فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموختگان می‌باشند و این رشد مگر با توانمندسازی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها میسر و محقق نخواهد شد. اینک با عنایت به آنچه گفته شد، لزوم توجه به رسالت وجودی دانشگاه‌ها به‌عنوان مهم‌ترین ابزار دسترسی به استقلال فرهنگی، مسؤلیت بس شگرف و بزرگی را برای تمامی دانشگاهیان بخصوص دانشگاه فرهنگیان تعریف می‌نماید. بر این اساس در راستای تحقق اهداف راهبردی فوق این پژوهش اجرا گردیده است. به این ترتیب هدف اصلی این پژوهش واکاوی و تبیین نیازهای فرهنگی، تربیتی و اجتماعی اعضای هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان است که در ادامه، یافته‌ها به ترتیب سؤالات پژوهش ارائه شده است.

در پاسخ به سؤال اول تحقیق، به نظر اکثریت مصاحبه‌شوندگان نیازهای آموزشی اعضای هیئت علمی در زمینه مسائل فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی شامل چهار حیطه فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و سیاسی بود که شامل ۲۰ نیاز اصلی مندرج در جدول (۲) می‌باشد و به جهت رعایت اختصار از ذکر مجدد مؤلفه‌های آن خودداری می‌گردد. شایان ذکر است که نتایج مصاحبه‌های این بخش با یافته‌های حاصل از پژوهش مهدوی (۱۳۷۸)؛ توکلی نیک (۱۳۸۰)؛ موحدی (۱۳۸۳)؛ فتحی و اجارگاه (۱۳۸۵)؛ لقمان نیا (۱۳۸۸)؛ لقمان نیا و خامسان (۱۳۸۹)؛ واحد چوکده (۱۳۸۴)؛ کالن (۲۰۰۵)؛ جانگ (۲۰۰۹) و ریولی (۲۰۱۰) همسویی دارد. نگاهی به نتایج پژوهش‌های مذکور نشان می‌دهد که مسائل و مشکلات عدیده فرهنگی بسیاری در بین جوانان و نوجوانان وجود دارد و کاربرد راهبردها و الگوهای توسعه غربی در بسیاری از کشورها، موفقیت‌آمیز نبوده‌اند؛ بنابراین، توصیه می‌شود که راهبردها و الگوهای توسعه ناظر بر فرهنگ بومی جامعه اسلامی موجود باشد. همچنین از جمله عوامل ضعف شدید نظام آموزشی و آموزش عالی ایران در زمینه آموزش فرهنگ و هویت ملی، ضعف مؤسسه‌های آموزشی در توجه به فرهنگ اصیل ایرانی و جذب در فرهنگ بیگانه قید شده است. لذا آموزش ارزش‌های فرهنگی به‌صورت منسجم به مؤسسات آموزشی به‌خصوص آموزش عالی توصیه می‌گردد، چراکه صاحب‌نظران معتقدند که بدون توجه به ارزش‌ها نمی‌توان به توصیف و تحلیل فرهنگ و توسعه فرهنگ پرداخت. بعلاوه شواهد نشان می‌دهد که

رضایت‌بخش نبودن برنامه‌های درسی در ایفای نقش هویت بخشی به دانشجویان، بی‌ارتباطی محتوای آن با قومیت‌ها، خرده‌فرهنگ‌ها و آموزش ارزش‌های فرهنگی از جمله عوامل ضعف شدید نظام آموزشی ایران در زمینه توسعه فرهنگی است. بدون تردید آموزش عالی باید توجه قابل ملاحظه‌ای به برنامه‌های درسی خود معطوف بدارد؛ بخصوص اگر در صدد پرداختن به آموزش و انتقال فرهنگ در دانشجویان باشد.

«نیاز به بین‌المللی‌سازی برنامه‌های درسی» از دیگر نیازهای آموزشی اظهار شده است که با نتایج کالن و جانگ (۲۰۰۵) همسویی دارد. چراکه شواهد نشان می‌دهد بین‌المللی‌سازی برنامه‌های درسی در دانشگاه‌ها، فرصت‌ها و آموزش‌های خاص فرهنگی را برای افراد ایجاد می‌کند. همچنین «بصیرت سیاسی و سیاست فهمی» از دیگر نیازهای اظهار شده است که با نتایج تحقیق ریولی (۲۰۱۰) همخوانی دارد. در واقع ایجاد دانش سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در دانشجویان، ارتباط و همبستگی زیادی با آموزش‌های جاری مدارس و دانشگاه‌ها دارد که باید به آن توجه خاصی شود. در زمینه نیازهای اخلاقی، آیت‌الله مصباح یزدی (۱۳۹۳) بزرگ‌ترین کمبود جامعه را کمبود اخلاقی دانسته و معتقدند که از جهت نیروی انسانی اخلاقی، نسبت به گذشته کمبودهای زیادی در جامعه وجود دارد. لذا توجه ویژه به اصول اخلاقی و منش معلمی منبعث از تعلیم و تربیت اسلامی نیز توصیه می‌گردد.

در پاسخ به سؤال دوم و سوم تحقیق، می‌توان استنباط نمود که میانگین میزان نیاز اعضای هیئت علمی به آموزش در زمینه «مسائل اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی» ۳/۶۱، بوده است (جدول ۳) که از سطح متوسط بیشتر است. همچنین مهم‌ترین نیاز آموزشی اعضای هیئت علمی در این زمینه مربوط به گویه «آگاهی از نقش اساتید در ارتباط با حفظ، انتقال، اصلاح و بازآفرینی فرهنگ» و سپس گویه «شناخت مبانی و روش‌های جنگ نرم» بوده است (جدول ۴). در این راستا بررسی یافته‌های پژوهشی ذکائی (۱۳۸۲)؛ حمیدی (۱۳۸۴)؛ واحد چوکده (۱۳۸۴)؛ اسماعیلی و ربیعی (۱۳۸۷)؛ عصاره و همکاران (۱۳۹۱)؛ لی کویانگ وو (۲۰۰۰)؛ تری گرین (۲۰۰۸) و برندان بارتام (۲۰۰۹)، نیز نشان می‌دهند که بخش عمده دانشجویان، نیازهای فرهنگی اجتماعی را از عمده نیازهای ضروری خود برشمردند؛ بنابراین، با توجه به این مطلب مهم که در

دانشگاه‌ها، آموزش به تنهایی معنایی ندارد، بلکه روند آموزش شامل آموزش فرهنگ نیز می‌شود، پس انتظار می‌رود برنامه‌ریزان و مدیران دانشگاهی به این امر مهم توجه ویژه داشته باشند.

در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که وظیفه و رسالت دانشگاه‌ها بخصوص دانشگاه فرهنگیان در قبال مسائل فرهنگی موجود در جامعه چیست؟ پاسخ این است که آموزش فرهنگ و درونی کردن آن از وظایف اصلی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌هاست که طی آن معانی فرهنگی بخشی از وجود خود می‌شود. در واقع دانشگاه‌ها با ارزش‌ترین منابعی هستند که جامعه برای پیشرفت و توسعه فرهنگی در اختیار دارد. در بین عناصر تشکیل‌دهنده آن، اساتید عناصر کلیدی پیشرفت محسوب می‌گردند و توجه به نیازهای آموزشی آنان در اولویت هدف‌های برنامه توسعه کشور قرار دارد؛ بنابراین، در یک جمع‌بندی از مجموعه مطالعات ارائه‌شده، می‌توان نتیجه گرفت که برنامه‌ریزان هر سیستم آموزشی ناگزیرند برای تدوین برنامه‌های آموزشی و فرهنگی خویش دلایل قانع‌کننده‌ای داشته باشند که تشخیص و تبیین نیازها، قبل از انتخاب هر نوع راه حل، می‌تواند بر میزان کارایی و اثربخشی برنامه‌های آموزشی آنان بیفزاید که این مهم از طریق توجه به نیازهای فرهنگی شناسایی شده قابل دسترسی خواهد بود. در همین راستا، پیشنهادات زیر نیز ارائه می‌گردد.

- ۱- لزوم انتصاب معاون فرهنگی در کلیه پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان
- ۲- اجرایی نمودن اهداف فرهنگی سند تحول در دانشگاه فرهنگیان
- ۳- لزوم ایجاد یک سیستم یکپارچه فرهنگی در دانشگاه فرهنگیان

یادداشت‌ها

پرتال جامع علوم انسانی

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری است که با حمایت مادی و معنوی دانشگاه فرهنگیان انجام گردیده است.
۲. واکاوی نیازها (Needs analysis) به معنای آگاهی کامل از نیازهای فراگیران است که بر اساس آن دوره‌های آموزشی طراحی می‌شوند (به نقل از غریبی، ۱۳۹۱، ص ۶۲).

3. Gutek
4. Lee Kuang Wu
5. An Ran and Viv Edward
6. Terry Green-
7. Brendan Bartram
8. Rivelli
9. Reyhner. Gilbert & Lockard
10. Sikart
11. Jang
12. Kallen
13. Faas
14. Ross
15. Beuckelaer, Lievens, & Bücker -
16. Leedjia Svec
17. Culture
18. Goldthorp
19. Kroeber
20. Kluchhohn
21. Williams
22. Tylor
23. Singer

۲۴. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، راهکار (۱۱/۱)، راهکار (۱۱/۲)، راهکار (۱۱/۵)، راهکار (۱۱/۶).

25. Parsons
26. qualitative
27. quantitative
28. exploratory
29. Planoclark
30. Creswell
31. Williams
32. Noy
33. data saturation
34. Informational redundancy
35. Onwuegbuzie
36. Leech
37. Guest
38. Stratified Random Sampling
39. triangulation
40. Content validity
41. Campbell
42. Mason
43. preparing
44. organizing
45. reducing



46. condensing
47. MAX.QDA
48. Internationalization

کتابنامه

- آیین‌نامه استخدامی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، پژوهشی و فناوری (۱۳۹۰)، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- ابطحی، حسین (۱۳۷۴)، آموزش و بهسازی منابع انسانی، تهران: مؤسسه مطالعات و برنامه‌ریزی آموزشی.
- احمدی، خدابخش، حبیبی، مهدی، سوری، فاطمه، بیگدلی، زهرا، نبی‌پور اشرفی، سید مهدی (۱۳۸۷)، «مقایسه آسیب‌پذیری فرهنگی و اجتماعی دختران و پسران»، مجله علوم رفتاری، ۲(۳): ۲۳۰-۲۲۱.
- اسماعیلی، رضا؛ ربیعی، کامران (۱۳۸۷)، «سنجش نیازهای فرهنگی اجتماعی دختران دانش‌آموز شهر اصفهان»، فصلنامه علمی-پژوهشی شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۱(۴۱): ۹۸-۱۳۴.
- پیرو، آلن (۱۳۶۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: ساروخانی، باقر، تهران: انتشارات کیهان.
- بوایل، پاتریک، جی (۱۹۸۱)، برنامه‌ریزی در فرآیند توسعه، ترجمه غلامرضا احمدی و سعیده شهابی (۱۳۷۴)، تهران: نشر ققنوس.
- توکلی نیک، خسرو (۱۳۸۰)، «بررسی نگرش دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر تهران در مورد تهاجم فرهنگی و راه‌های مقابله با آن»، گزارش طرح پژوهشی، شورای اداره تحقیقات کل شهر تهران.
- ثقفی، رضا (۱۳۴۸)، «مفاهیم فرهنگ در ادبیات فارسی»، مجله فرهنگ و زندگی، ۱: ص ۲۵.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۰)، فرهنگ پیرو و فرهنگ پیشرو، تهران: سمت.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم، تهران: نشر نی
- حمیدی، فریده (۱۳۸۴)، «بررسی مقایسه‌ای نیازهای جسمانی، عاطفی، اجتماعی و مذهبی نوجوانان مناطق محروم بر اساس جنسیت»، فصلنامه علمی-پژوهشی مرکز مطالعات و تحقیقات زنان، دانشگاه تهران، ۲(۳): ۱۷۹-۱۵۹.
- دلانتی، جرارد (۱۳۸۶)، دانش در چالش: دانشگاه در جامعه دانایی، ترجمه علی بختیاری‌زاده، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: انتشارات کیهان.
- ذکائی، محمد سعید (۱۳۸۲)، «آموزش شهروندی»، فصلنامه مطالعات جوانان، ۱۹: ۵۸-۵۱.
- رشاد، علی اکبر (۱۳۸۴)، «مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی، ماهیت، مبانی و مسائل»، ماهنامه زمانه، ش ۵۸ رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۶۴)، جامعه روستایی و نیازهای آن: پژوهشی در ۳۲ روستا از استان یزد، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- روشه، گی (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: انتشارات تبیان.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کیهان.
- سبکتکین، قربان علی؛ خسروجری، زهرا (۱۳۹۲)، «فرهنگ، زبان و آموزش»، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۳۰: ۶۲-۵۵.
- سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی (۱۳۸۲)، در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۸۲ از سوی رهبر معظم انقلاب به سران قوای سه‌گانه ابلاغ شد.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در آذرماه ۱۳۹۰.
- سیف‌اللهی، سیف‌الله (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی (اصول، مبانی و مسائل اجتماعی)، چاپ اول، ویرایش دوم، مشهد: نشر مرندیز.

شعبانی قمی، حسین (۱۳۸۰)، «تحلیلی بر فرآیند تعیین نیازهای آموزشی - ترویجی زنان روستایی»، ماهنامه جهاد، ش ۲۴۳، ۲۴۴ و ۲۴۵.

شرفی، محمد، طاهرپور، زهرا (۱۳۸۷)، «نقش نهاد آموزشی در تربیت شهروندی»، نشریه مهندسی فرهنگی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، ش ۱۵-۱۶: ۲۳-۴۲.

شرفیان، فریدون؛ میرشاه جعفری، سید ابراهیم؛ شریف، مصطفی؛ موسی پور، نعمت‌الله (۱۳۹۱)، «دیدگاه متخصصان برنامه درسی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی درباره چگونگی مشارکت دانشجویان این دوره در برنامه‌ریزی درسی»، فصلنامه رویکردهای نوین آموزشی، ۸ (۱)، پیاپی ۱۷: ۴۷-۸۸.

صفایی، لیلا؛ برومند فر، سعید (۱۳۹۲)، «فرهنگ دانش‌محور، بستر ساز تحول و نوآوری در آموزش عالی»، دومین همایش ملی تحول و نوآوری در آموزش عالی با تأکید بر ویژگی‌های استان فارس، شیراز.

عصاره، علیرضا، سراج خرمی، ناصر، برومند نسب، مسعود، حزین، نسیم (۱۳۹۱)، «شناسایی نیازهای فرهنگی آموزشی و پژوهشی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی»، مجله علمی پژوهشی یافته‌های نو در علوم انسانی، ۷ (۲۱): ۶۴-۴۷.

عمید، حسن (۱۳۷۹)، فرهنگ فارسی عمید، جلد دوم، چاپ بیست و یکم، تهران: امیرکبیر.

فتحی و اجارگاه، کورش، ملیحه آشتیانی و محمد دوزی سرخابی (۱۳۸۵)، «لحاظ کردن ارزش‌های شهروندی در برنامه درسی برای تدریس در دوره دبستان»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۱۷ (۵): ۳۲-۴۵.

فردانش، هاشم (۱۳۷۲)، مبانی نظری تکنولوژی آموزشی، تهران: سمت.

گلو تورپ، جی. ای (۱۳۷۰)، جامعه‌شناسی کشورهای جهان سوم - نابرابری و توسعه، ترجمه: جواد طهوریان، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی

گوتهک، جرالد. ال (۱۳۹۰)، مکاتب فلسفی و آراء تربیتی، ترجمه محمدجعفر پاک‌سرشت، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

لقمان‌نیا، محمد (۱۳۸۸)، «شناسایی مؤلفه‌های هویت ملی در برنامه‌های درسی بر اساس روش بنیاد بخشی نظریه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند.

لقمان نیا، مهدی؛ خامسان، احمد (۱۳۸۹)، «جایگاه هویت ملی در نظام آموزش و پرورش ایران»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۳ (۲): ۱۷۱-۱۴۷.

ماندگار، محمد مهدی (۱۳۷۹)، «فرهنگ‌سازی در نهج البلاغه»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره (۱۰)، ۳۳ (۱۰).

محمدی اصل، عباس (۱۳۸۸)، «نظریه جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز»، برگرفته از:

www.google.com:dramasl.Blogfa.Com/page/articale.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۳)، «سخنرانی در جمع دانش‌پژوهان نخبه و ممتاز در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)»، ۱۳۹۳/۳/۸، برگرفته از سایت:

www.mesbahyazdi.ir

معین، محمد (۱۳۸۲)، فرهنگ فارسی معین (یک جلدی)، تهران: سرایش.

منافی شرف‌آباد، کاظم؛ زمانی، الهام (۱۳۹۲)، «نقش نظام آموزش عالی در مهندسی فرهنگی جامعه»، مجله مهندسی فرهنگی، ۷۷ (۸): ۵۸-۷۲.

موحدی، مسعود (۱۳۸۳)، «تعیین ویژگی‌های فرهنگ ملی - اسلامی (با نگاهی به ربط این ویژگی‌ها با توسعه)»، طرح پژوهشی، شورای عالی انقلاب فرهنگی.

مهدوی، محمدصادق (۱۳۷۸)، آسیب‌شناسی فرهنگی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، معاونت پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی

مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۲)، «متن مصاحبه با دکتر مهرمحمدی در مورد نیازهای آموزشی اعضای هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان»، تهران: ۱۸ اسفند ۱۳۹۲.

ناظمی، محمد (۱۳۸۴)، *درآمدی بر مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی کشور*، تهران: کمیسیون فرهنگی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

نجاتی حسینی، محمود (۱۳۷۹)، *اطلاعات رسانی و فرهنگ*، تهران: خانه کتاب

مقام معظم رهبری (۱۳۸۱، ۱۳۸۳، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶)، «دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ماهنامه‌نامه فرهنگی، معاونت فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری»، ش ۵۸.

نگاهداری، بابک (۱۳۸۵)، «رصد فرهنگی، ابعاد و راهکارها»، *ماهنامه مهندسی فرهنگی* (ش ۳).

واحد چوکده، سکینه (۱۳۸۴)، «آموزش شهروندی و فرهنگی لازمه شهرنشینی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.

ویلیامز، ریموند (۱۳۷۹)، «به‌سوی جامعه‌شناسی فرهنگی»، ترجمه علی مرتضویان، *مجله ارغوان*، شماره ۱۸.

Bartram, B. (2009), The socio cultural needs of international students in Higher Education: A Comparison of Staff and Student Views.

Beuckelaer, A.D., Lievens, F. & Bücker, J. (2012), The Role of Faculty Members' Cross-Cultural Competencies in Their Perceived Teaching Quality: Evidence from Culturally-Diverse Classes in Four European Countries. *The Journal of Higher Education* .83(2), 217-248.

Campbell, A., McNamara, O., & Gilroy, P. (2004), *Practitioner research and professional development in education*, Paul Chapman Publishing.

Creswell, J. (2007), *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches*, Thousand Oaks: Sage.

Creswell, J., & Plano Clark, V. (2007), *Designing and conducting mixed methods research*, Thousand Oaks: Sage.

Faas, D. Ross, W. (2012), Curricula in Irish schools Identity, diversity and citizenship: A critical analysis of textbooks and curricula in Irish schools. *International Sociology* 2012, 27: 574-591.

Guest, G., Bunce, A., & Johnson, L. (2006), How many interviews are enough? An experiment with data saturation and variability, *Field Methods*, 18, 5982.

Jang, J. Y. (2009), *Analysis of the relationship between internationalization and the quality of higher education*. A dissertation submitted faculty of the Graduate School of the University of Minnesota.

Lee Kuang, Wu. (2000), *A comparative analysis of foreign student needs in Taiwan*.

Mason, I. (2002), *Linking qualitative and quantitative data analysis*, In: A. Bryman & R. Burgess (Eds), *Analyzing qualitative data*, New York: Routledge.

Noy, C. (2008), *Sampling knowledge: The hermeneutics of snowball sampling in qualitative research*, *International Journal of Social Research Methodology*, 11 (4), 327344.

Onwuegbuzie, A. J., & Leech, N. L. (2007), *Sampling designs in qualitative research: Making the sampling process more public*, *The Qualitative Report*, 12 (2), 238254.

-
- Planoclark, V., Creswell, J., O Neil Green, D., & Shope, R. (2008), Mixing quantitative and qualitative approaches: An introduction to emergent mixed methods research, In: S. HesseBiber & P. Leavy. (Eds), Handbook of emergent methods, New York: The Guilford Press.
- Ran, An; Edward, Viv. (2006), Meeting the needs of Chinese students in British Higher Education.
- Reyhner, W.S. Gilbert & L. Lockard (Eds), (2011), Honoring our heritage: culturally appropriate approaches for teaching indigenous students. (pp. 43-55), Flagstaff, AZ: Northern Arizona University.
- Rivelli, S. (2010), Citizenship education at high school. A comparative study between Bolzano and Padova (Italy), Free University of Bolzano- Bozen- Faculty of education, Viale Ratisbona 16, Bressanone 39042. Procedia social and Behavioral sciences 2(2010) 4200-4207.
- Sikart, L. (2008), Effect of Globalization on national Identity: Conflicting Agendas and Understanding. The Alberta Journal of Education, 53(3):248-258, USA.
- Singer, M. (1996), Culture international encyclopedia of social sciences. 3,527.
- Svec, L. (2014), Cultural heritage training in the US military. Springer Plus 2014, 3:126.
- Terry, Greene (2008), Waquoit bay national estuarine research reserve cultural need assessment. Final Report.
- Williams, N. (2006), Social research methods. Thousand Oaks: Sage.

